

رضایت بیماران و دعای خیر آنان ارزشمندترین سرمایه پرستاران

23 مهر 1405

در روزی که نام حضرت زینب(س) بر صفحه تقویم می‌نشیند، گویی جهان لحظه‌ای مکث می‌کند تا عظمت روح زنی را به یاد بیاورد که در سخت‌ترین میدان‌های تاریخ، ایستاد و فرو نریخت؛ زنی که در میان آتش مصیبت، ستون آرامش شد، در دل طوفان، پیام‌آور حقیقت شد، و در اوج رنج، معنای واقعی «صبر» را دوباره تعریف کرد.

حضرت زینب(س) فقط یک شخصیت تاریخی نیست؛ او نماد استقامت زنانه، تجسم مهر بی‌پایان و آینه‌ای از قدرت روح انسان است. هر جا که انسانی در برابر درد، با عشق می‌ایستد؛ هر جا که کسی در دل تاریکی، چراغ امید روشن می‌کند؛ هر جا که قلبی برای آرامش دیگری می‌تپد، ردی از زینب‌وارگی دیده می‌شود.

پرستاران، بیش از هر گروه دیگری، ادامه‌دهندگان همین مسیرند. آنان وارثان همان روح بزرگ‌اند؛ روحی که خستگی را می‌فهمد اما تسلیم نمی‌شود، اشک را می‌شناسد اما امید را رها نمی‌کند، و در لحظه‌های سخت، دست انسان‌ها را می‌گیرد تا از رنج عبور کنند.

امروز، در کنار سه پرستار زن نشسته‌ایم که هر روز، بی‌صدا و بی‌ادعا، در بخش‌های بیمارستان، در اتاق‌های مراقبت ویژه، در شب‌های طولانی کشیک، زینب‌وار ایستاده‌اند؛ با قلبی که برای انسانیت می‌تپد و دستانی که مرهم دردهاست.

این گفت‌وگو، فقط یک مصاحبه نیست؛ ادای احترام است به زنانی که معنای «ایثار» را زندگی می‌کنند. می‌خواهیم از زبان خودشان بشنویم که چگونه در میان فشارهای کاری، امید را زنده نگه می‌دارند؛ چگونه با وجود خستگی، لب‌خند را از بیماران دریغ نمی‌کنند؛ و چگونه در هر شیفت، بخشی از وجودشان را وقف آرامش دیگران می‌کنند.

امروز، در این روز مبارک، به احترام حضرت زینب(س) و به احترام تمام پرستارانی که در سراسر کشور، چراغ آرامش را در دل بیماران روشن نگه داشته‌اند، پای صحبت این سه بانوی شریف می‌نشینیم؛ تا روایت‌هایشان را بشنویم، تجربه‌هایشان را لمس کنیم، و از دریچه نگاه آنان، عظمت حرفه‌ای را ببینیم که ستون سلامت جامعه است.

خانم هاجر گروسی مدرک کارشناسی پرستاری دارد و از سال ۸۷ تاکنون مشغول فعالیت در بخش های قلب، داخلی، اورژانس و شیمی درمانی در بیمارستان های بوعلی و ولایت است. خداوند به او و همسرش دو پسر ۱۹ و ۱۳ ساله هدیه کرده است که پسر بزرگ شان رشته تجربی را انتخاب کرده و مانند مادر، روحیه کمک به هم‌نوع و نیازمندان را دارد.

خانم نسیم لطفی پرستار در بیمارستان ولایت قزوین است و ۷ سال سابقه کار دارد.

خانم پروانه عبداللہی کارشناس پرستاری است . دارای سه فرزند است و در بیمارستان های بوعلی و ولایت مشغول ارائه خدمات به بیماران است .

چه چیزی باعث شد مسیر پرستاری را انتخاب کنید و امروز همچنان با انگیزه ادامه دهید؟

خانم گروسی در پاسخ به این سوال می گوید: از طریق یکی از دوستان پرستار با این رشته آشنا و با علاقه وارد شدم و روز به روز از مسیری که هستم ، راضی ترم ، علی رغم مشکلات زیادی که در این مسیر وجود دارد خداوند را شکر می کنم که این فرصت خدمت به بندگان خود را به من عطا کرده است و **خانم عبداللہی** می گوید: از بچگی دوست داشتم که پرستار باشم و **خانم لطفی** نیز به خاطر علاقه این شغل را انتخاب کرده است .

مهم ترین ویژگی اخلاقی و حرفه ای یک پرستار را چه می دانید؟

خانم لطفی مهم ترین ویژگی یک پرستار را وجدان و اخلاق بیان می کند و معتقد است پرستار باید باسواد و با اخلاق و با وجدان باشد و **خانم عبداللہی** مهم ترین ویژگی را «مهربانی» و «آرامش» می داند و **خانم گروسی** نیز صبر ، شکیبایی، دانش و مهارت در مواجهه با بیماران را از مهم ترین ویژگی اخلاقی و حرفه ای بیان می کند .

سخت ترین لحظه ای که در دوران خدمت تجربه کرده اید ، چه بود و آن را چگونه مدیریت کردید؟

خانم گروسی می گوید: مرگ بیماران که تلاش های زیاد ما «نا موفق» بود ولی می دانیم که ما وسیله ای جهت کاهش درد و رنج دیگران هستیم و اراده خداوند مافوق تمام خواست ها و حکمت او فراتر از درک ماست. **خانم عبداللہی** می گوید: لحظات سخت، زیاد بوده است مثلاً ؛ مرگ پسر ۱۵ ساله به خاطر عاشقی . یا مثلاً مرگ مادری که درگیر سرطان بود و تا یکساعت بعد از مرگ دخترش کنارش دراز کشیده بود و مادرش بغل کرده بود و یا مرگ مادر باردار مبتلا به کووید. **خانم لطفی** هم در پاسخ به این سوال می گوید: مرگ مادر دیالیزی جلوی چشمان پسر ۷ ساله اش .

یک خاطره شیرین یا اثر گذار از ارتباط با بیمار که هرگز آن را فراموش نمی کنید ؟

خانم لطفی می گوید: بهبود بیماران . خاطره **خانم عبداللہی** هم خیلی دلچسب است : خوب شدن پیرمردی که در کما بود و جسم خارجی تو قلبش داشت. هر روز فکر می کردم که حتما میمیره اما خدا را شکر ، خوب شد و حتی در شیفت خودم مرخص شد و عصا زنان رفت . آن لحظه بود که فهمیدم همه چیز تنها و تنها به دست خداست. **خانم گروسی** هم که انگار پر از خاطره است ، می گوید: کار ما پر است از خاطرات شیرین از بیماران که با نگرانی و عصبانیت و خستگی می آیند و اکثراً با آرامش و قدردانی و اطمینان خاطر بخش را ترک می کنند. رضایت بیماران و دعای خیر آنان را برای خودم ارزشمندترین سرمایه می دانم.

از شرایط سخت «فشار کاری» تان بگویید؟

خانم عبداللہی ہم می گوید: مرگ مادر باردار مبتلا به کووید کہ پسری ۱۸ ماهه داشت و بارداری دومش بود یکی از تلخ ترین خاطرات دوران کرونا برای من هست. **خانم لطفی** ہم می گوید: فقط روزهای عذاب آور کہ پیر و جوان را به کام مرگ می کشاند. پاسخ **خانم گروسی** با دیگر پاسخ ها متفاوت تر است. او می گوید: سوال شما مرا به یاد پیرمردی انداخت کہ در ICU بود و ہمراہی کنارش نبود سرفه می کرد و حال غذا خوردن نداشت. داروهای استنشاقی بیمار کہ اجرا شد کمکش کردم و قاشق قاشق غذا در دهانش گذاشتم. انگار پدر بزرگ خودم بود، این اتفاق ها بین پرستاران بارها و بارها تکرار می شود و این عشق است کہ با دانش آمیخته و در دورانی کہ برخی از ترس جان خود از خانواده خود دوری می کردند، پرستاران به فکر نجات جان دیگران بودند.

بزرگ ترین چالش امروز جامعہ پرستاری چیست؟

خانم عبداللہی در پاسخ به این سوال کوتاه می گوید: عدم توجه به جامعہ پرستاری. **خانم لطفی** ہم پاسخ می دهد: حقوق پایین پایین پرستاران در صورتی کہ پزشکان تمام درآمد بیمارستان را در اختیار دارند و بیمار از نظر بیش تر آنان، دستگاه «پول ساز» است. **خانم گروسی** ہم می گوید: استاندارد های شغلی در برخی قسمت ها اجرا نمی شوند، قانون پرداخت حقوق و مزایای لازم کہ در خیلی از مشاغل دیگر وجود دارد و اعمال می شود، هنوز در بخش درمان اجرایی نشده است.

اگر بخواہید یک پیام به خانوادہ بیماران بدهید، چہ می گوئید؟



خانم عبداللہی با لبخند می گوید: ہمیشہ ہمہ ناسزاها نثار ما پرستارها میشہ؛ چرا ہمیش پرستار رو مقصر می دونید؟ **خانم لطفی** ہم می گوید: ما در ہر شرایطی تمام تلاش خود را برای بیماران انجام می دہیم. **خانم گروسی** ہم در پاسخ به این سوال می گوید: این کہ توکل بہ پروردگار داشته باشند چون درد و شفا ہر دو در دست خداست و بہ پزشک و پرستار اطمینان داشته باشند و اعتماد کنند کہ تیم درمان تمام تلاش خود را می کنند تا پروسہ درمان با درستی و با آرامش بیش تری سپری بشہ.

دوران کرونا از کدام واکسن استفاده کردید؟

خانم گروسی می گوید: یادم هست که بیمارستان ما اول واکسن «استرازانکا» آوردند و من و یکی از همکاران از تزریق آن خودداری کردیم و به تاسی از رهبر شهیدم به مسئول کنترل عفونت گفتم: من فقط واکسن ایرانی می‌زنم، هروقت واکسن ایرانی به بیمارستان آوردید به من اطلاع دهید و همان طور هم شد. **خانم عبداللهی** هم می گوید: زمانی که واکسن برای کادر درمان اعلام شد، واکسن زدیم. الان مارکش یادم نیست. **خانم لطفی** هم می گوید: در زمان کرونا، ایرانی تزریق کردم.

چگونه بین زندگی شخصی و فشارهای کاری پرستاری، تعادل ایجاد می کنید؟

خانم لطفی می گوید: این تعادل را با کمک همسرم ایجاد می کنم. در نبود مادر، پدر نقش فراوانی دارد. **خانم گروسی** هم می گوید: قطعاً نقش خانواده در پیشبرد اهداف خانواده و کمک به پرستار انکار ناپذیر است و از همین جا دست خانواده عزیز و مهربانم را می‌بوسم و بابت تک تک همکاری ها و کمک های آنان سپاسگزارم. یک مسئله مهم این است که خانه، خانه است و مسائل کار مختص محیط کار و نباید مشکلات کاری را وارد زندگی کنیم، ولی کار ما با توجه به شرایط ویژه اش مانند شب کاری، تعطیل کاری، ساعت متفاوت کاری نسبت به مشاغل دیگر و بعد عاطفی کار و ... ناخودآگاه خانواده ها را هم درگیر خواهد کرد که نیازمند همکاری تک تک اعضای خانواده خواهد بود. همسرم با وجود مشغله بالای کاری که خودشان دارند، باز هم در امور خانواده همکاری لازم را دارند و در امور تربیتی و تحصیلی فرزندان همکاری می کنند. قبلاً که بچه ها مدرسه نمی رفتند، حضور پدر بزرگ و مادر بزرگ خیلی کمک کننده بود و اکنون هم معمولاً ساعت کاری ام را با مدرسه بچه ها هماهنگ می کنم. **خانم عبداللهی** هم می گویند: به سختی تعادل ایجاد می شود. چون بچه هام کوچک هستن و همسرم هم، خونه نیست.

اگر قرار بود از بین شغل پرستاری و خانواده یکی را انتخاب می کردید، کدام در اولویت بود؟



خانم گروسی در پاسخ به این سوال گفتند: از همان ابتدای ازدواجمون همسر برای ادامه تحصیل و با شغل من خیلی همراهی داشتند و مشکلی نبود، ولی اگر می‌خواستم یکی رو انتخاب کنم، قطعاً انتخاب اول و اولویت نخست من ، همسر و خانواده ام بود . **خانم عبداللہی** هم گفتند: شغل من اما نگاه و نظر خانم لطفی با نگاه و نظر **خانم گروسی** ، یکی بود . خانم لطفی هم از میان شغل و همسر ، «همسر» را انتخاب می‌کردند .

به پرستاران جوانی که تازه وارد این حرفه می‌شوند ، چه توصیه ای دارید؟

خانم پروانه عبداللہی می‌گویند: توصیه ای ندارم . **خانم لطفی** اما با نگاه دیگری می‌گویند: هر چه سریع تر این شغل را ترک کنند تا آسیبی به روان خود و خانواده نزنند. در کنار این دو دیدگاه اما نظر خانم **هاجر گروسی** چیز دیگری را بیان می‌کند: با علاقه و انگیزه وارد این حرفه شوند تا سختی های راه شیرین شود .

آخرین سوال : در روز پرستار ، دوست دارید جامعه چه پیامی را به پرستاران منتقل کند ؟

خانم عبداللہی می‌گوید: مردم قدردان پرستاران هستند. **خانم نسیم لطفی** هم می‌گوید: قدر شما ها را می‌دانیم و با وجود کاستی های فراوان ، زحمات شما را درک می‌کنیم. **خانم گروسی** هم می‌گویند: «رضایتمندی» که عامل اصلی ادامه این مسیر است.

با تشکر از جناب آقای محمد کشاورز که زمینه این گفتگو را فراهم کردند .
تنظیم: متینا شایسته نیا